

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۶، شماره ۵۹، بهار ۱۴۰۳، صص ۲۱۴-۲۴۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۶

(مقاله پژوهشی)

DOI:

آموزه‌های دینی در رمان «دخیل عشق»

احمد حیدری گوجانی^۱، دکتر محسن ذوالفقاری^۲، دکتر حسن حیدری^۳، دکتر حجت‌الله امید علی^۴

چکیده

رویداد انقلاب اسلامی در فضای فرهنگی و سیاسی ایران دگرگونی‌هایی ایجاد کرد و دستاوردهایی به همراه داشت. از این رهگذر، جریانی دینی در ادبیات داستانی پدید آمد. تحلیل عناصر داستانی در ادبیات انقلاب، هدف و چرایی این پدیده را بازمی‌تاباند. این پژوهش با هدف استمرار گستره پژوهش‌های ادبیات انقلاب در پی واکاوی چگونگی رویکرد مریم بصیری در درون‌مایه و شخصیت‌های رمان دخیل عشق به آموزه‌های دینی است. روش پژوهش، تحلیلی-توصیفی، شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است. مبنای تحلیل، طیف واژه‌ها، مفاهیم خاص و پُربسامد مرتبط با آموزه‌های دینی است. بصیری، با طرح و خلق موقعیت دینی، ادامه‌دهنده جریان ادبیات دینی بعد از انقلاب اسلامی و در پی تقویت دین‌باوری، گسترش و عمومی‌سازی مبانی اعتقادی است و از طریق شخصیت‌ها و درون‌مایه داستانی، رویکردی تعلیمی-ترویجی به اصول و مبانی دین اسلام و القای احساس دینی به مخاطب دارد و از مفاهیم اعتقادی، احکام و اخلاقیات دین اسلام بهره‌ای متغیر می‌برد. مسئله امامت بیشترین نمود را در این رویکرد دارد. بصیری، از زبان شخصیت‌های نوعی، نگاهی ارزش‌مدارانه به مفاهیم دینی دارد و گزاره‌های تعلیمی دین را به بن‌مایه رمان می‌برد و دستیابی به آموزه‌های دینی را با مطالعه اثر داستانی برای مخاطب تسهیل می‌کند.

کلید واژه‌ها: آموزه، دین، مریم بصیری، شخصیت، دخیل عشق.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

Ahmad_heidari53@yahoo.com

^۲ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران. (نویسنده مسؤول)

M-zolfaghary@araku.ac.ir

^۳ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

h-haidary@araku.ac.ir

^۴ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

omidsu@gmail.com



مقدمه

دین، همواره برای آدمی رازی شگفت‌انگیز و از صور خیال‌پردازی است و نتایج سازنده و فراوانی بر تفکر و رفتار بشر داشته و الهام‌بخش ارزشمندترین کنش‌های ایثارگرانه و بشردوستانه است. دین، از دیرباز در زندگی آدمی حضور داشته و همزاد آدمی است و ریشه در فطرت انسان دارد. فطرت از نگاه متفکران مسلمان، نظریه‌ای مبنایی و نظام‌آفرین است و بسیاری از مسائل کلامی نو در خداشناسی، دین‌شناسی، انسان‌شناسی و تعلیم و تربیت بر نظریه فطرت استوار هستند. دین، ارتباطی تنگاتنگ با ادبیات داستانی دارد. آموزه‌های دینی و سرگذشت پیروان آنان را در سبک تعلیمی ادبیات، قالب تمثیل و داستان به پیروان ادیان آموزش داده‌اند. ادبیات تعلیمی، یک گونه (ژانر) ادبی است که اساس آن، در خواسته‌ها و اهداف آثار گنجانده می‌شود و دانشی را به مخاطبین می‌آموزد. منتقدین آثار ادبی از دیرباز از منظر دین نگاهی انتقادی به این دسته آثار داشته‌اند. دین، پیوند دیرینه، عمیق و ناگسستنی با ادبیات پایداری دارد و تعبیر دفاع مقدس حاصل نمود یافتن مؤلفه‌ها و بازخورد دینی در دفاع هشت ساله است.

انقلاب، پدیده‌ای آرمان‌خواهانه، ایجاد روحیه ستم‌ستیزانه، رویداد و تحول تاریخی، اجتماعی و سیاسی برای استقرار وضعیتی مطلوب است. مسائل تاریخی و اجتماعی زیر بنای جامعه و ادبیات روبنای آن است. ماهیت اعتقادی انقلاب اسلامی، با بهره‌گیری از قرآن کریم، سنت پیامبر (ص)، ائمه اطهار (ع) و مضامین عرفانی جریان دینی با باورهایی عمیق و ارزشهایی ماندگار در آثار شاعران و نویسندگان پدید آورد که هدف این جریان همگانی‌کردن مبانی اعتقادی با آفرینش متون ادبی و در اختیار گرفتن نوعی از ادبیات برای توسعه و ترویج دین و نیل مخاطب به تعالی بود که از آن به ادبیات انقلاب اسلامی یاد می‌شود. این نوع ادبی بیشتر بُعد فرهنگی و رویکرد دینی انقلاب اسلامی را می‌آموزد و اقبالی گسترده به ادبیات القایی و الهام‌بخش دینی به معنی اخص آن پدید آورد که بیشتر در ادبیات داستانی دفاع مقدس بروز یافت.

ادبیات پایداری، آثار منشور و منظومی را گویند که مظهر ندای ستم‌دیدگان است و هدف آن ایجاد روحیه مبارزه و پایداری و منبعث از تحولات اجتماعی، رخدادهای فرهنگی و اعتقادی است که مخاطب را به سازش‌ناپذیری و مبارزه فرامی‌خواند. ادبیات انقلاب و دفاع مقدس، فضایی تازه در ذهن شاعران و نویسندگان ایجاد و توجه آنان را در موضوعات گوناگون به خود

جلب کردند که شاخه‌ای از آن ادبیات داستانی است. رمان دینی به مثابه پدیده اجتماعی روایت‌گر دفاع مقدس و از ابزارهای تحلیل و تبیین دستاوردهای دینی انقلاب اسلامی و تجلی‌گاه باورها است.

مسئله این پژوهش ارائه تحلیلی از تأثیر مؤلفه‌ها و دستاورد دینی انقلاب بر رویکرد و نحوه برخورد «مریم بصیری» در رمان «دخیل عشق» به آموزه‌ها و ادبیات دینی است و میزان نمود و تأثیر پذیری از جریان دینی را در این رمان بررسی می‌کنیم. و به پرسش زیر پاسخ می‌دهیم: ۱. کدام آموزه‌ها از دستاورد دینی انقلاب اسلامی بر رویکرد رمان «دخیل عشق» و کنش شخصیت‌ها تأثیر گذاشته‌اند؟

فرضیه ما در برابر مسئله و پرسش یادشده، این است که با توجه به حضور رزمندگان دفاع مقدس در سیر روایت و صحنه‌های مکانی غالب مرقد امام رضا (ع) بیشتر مبانی اعتقادی توحید و امامت آموزه‌های غالب این رمان هستند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله رویکردی تحلیلی-توصیفی و روش گردآوری داده‌ها مطالعات کتابخانه‌ای است. از داده‌ها و اجزای مرتبط با هم در پیکره آموزه‌های دینی، چگونگی ارتباط این اجزا با ساختار کلی موضوع و مؤلفه‌های روایی عنصر شخصیت برای تحلیل و توصیف آموزه‌های دینی در شخصیت‌پردازی رمان دینی فارسی در قلمرو زمانی دهه نود بهره‌می‌بریم و سنجه فرضیه ما پیکره رمان دخیل عشق است. انتخاب این رمان به دلیل وجود نمونه‌ها و مصادیق هدفمند جریان ادبیات دینی در فضای روایت با هدف ترویج آموزه‌های دینی و اندیشه‌های انقلاب اسلامی است. مبنای ترسیم رویکردهای این نویسنده از اصول اعتقادی و احکام دین اسلام، شخصیت‌ها و درون‌مایه این رمان است.

پیشینه تحقیق

پژوهشی که از رمان دخیل عشق یافتیم، بدین شرح است «تحلیل جایگاه شخصیت زنان در ادبیات پایداری با تکیه بر رمان دخیل عشق، نوشته فیضی نیکجه و بشیری» (۱۳۹۳) که به تحلیل و نقد شخصیت زنان در رمان‌های «عشق سال‌های جنگ، نارگل، باغ بلور، دخیل عشق و نخل‌ها و آدم‌ها» پرداخته‌است و شخصیت‌های زن را از جنبه‌هایی مانند زن-همسر، زن-مادر، زن-فرزند و زن-امدادگر تحلیل کرده‌است.

پژوهش در زمینه تأثیر دستاوردهای دینی انقلاب اسلامی و مفاهیم پایداری در آثار منظوم و منثور متعددی در کتاب‌ها و مقاله‌ها انجام گرفته‌است که به مواردی از آن اشاره می‌کنیم. کتاب «جایگاه مذهب در ادبیات داستانی معاصر نوشته بیات» (۱۳۹۵) که بر اساس آثار صادق هدایت، سیدمحمدعلی جمالزاده، و صادق چوبک نوشته شده است.

مقاله «جریان دینی در رمان فارسی پس از انقلاب، نوشته صابرپور و شادلو» (۱۳۹۴) که به بررسی ۱۵ اثر داستانی از سه دوره زمانی انقلاب اسلامی، سازندگی و اصلاحات می‌پردازد. مقاله «جلوه‌های پایداری در سروده‌های امیری فیروزکوهی، نوشته تقوی» (۱۳۹۹) که به بررسی مؤلفه‌های ادبیات پایداری در چهار قصیده از سید کریم امیری شاعر و ادیب معاصر می‌پردازد.

مقاله «ادبیات پایداری؛ تعاریف و حدود از امیری خراسانی و هدایتی» (۱۳۹۳) که به بررسی حدود و مرزبندی ادبیات پایداری از جوانب گوناگون می‌پردازد.

مقاله «مؤلفه‌های پایداری در سیمای شخصیت‌های رمان دفاع مقدس از امیری خراسانی و حسن‌پور» (۱۳۸۹) که به بررسی هویت دینی و عرفانی رزمندگان در ارتباط با امام، مردم و انقلاب اسلامی می‌پردازد. با این وصف تا کنون پژوهش مستقلی از رویکرد دینی مریم بصیری در رمان دخیل عشق انجام نشده‌است و پژوهش حاضر می‌تواند با نگاهی تازه تأثیر دستاورد دینی انقلاب اسلامی را در نمونه‌ای از رمان دینی-اجتماعی مورد بررسی قرار دهد.

مبانی تحقیق

آموزه

آموزه، مجموعه آموزش‌ها و اصول آموزشی دینی و باورهایی است که مربوط به موضوع، شخص، مرام یا مذهب معین، دکترین و رهنامه خاصی است. «آیین اسلام مشتمل بر یک سری آموزه‌های کلی اعتقادی و عملی است که تصدیق و ایمان بدان از واجبات و ضروریات دین به‌شمار می‌رود» (قدردان قراملکی، ۱۳۸۳: ۱۸۰). آموزه دینی، حدود رفتار یک شخص را برای برقراری رابطه مقبول و معنادار با نیروهای فوق طبیعی تعیین می‌کند و نتیجه آن جلب یاری و توجه آن نیروها است. «آموزه، مجموعه‌ای از نظریات و تعالیم فلسفی، سیاسی، علمی، یا مانند آن‌ها؛ اصول عقاید؛ نظریه؛ دکترین است» (انوری، ۱۳۸۸: ۵۶).

دین

دین، از پدیده‌هایی است که تعریف آن به سهولت امکان‌پذیر نیست. دین، در لغت (ا) کیش. ملت. طریقت. شریعت (ر.ک: دهخدا، ۱۳۵۱:۵۷۲). می‌توان گفت: همه اقوام بشری دین‌دار هستند و آدمی، از دیرباز برای تأمین نیازهای روحی پیوسته به دین و دین‌داری گرایش داشته‌است. بنابراین، دین‌ورزی انسان فطری و سرشتی است. ارنست رومان، دین را برترین و جالب‌ترین تجلی طبیعت انسان می‌داند (ر.ک: شاله، ۱۳۵۵:۴). دین، اثرگذارترین نهاد اجتماعی است و در دیگر نهادها تأثیرگذار و سامان‌دهنده است و با مباحثی مانند دانش، فلسفه، عرفان، ادبیات، سیاست و اقتصاد پیوند نزدیک دارد. «برخی از فیلسوفان دین، هر مکتبی را که حایز سه عنصر اصلی و اعتقادی زیر باشد، دین می‌نامند. الف - وراى عالم محسوسات هست. ب - جهان طبیعت هدفدار است. ج - جهان هستی دارای نظام اخلاقی است» (جعفری، ۱۳۷۸:۳۹).

شخصیت

مفهوم واژه شخصیت، در روان‌شناسی با مفهوم آن در درام مشترک است ولی کاربرد متفاوتی دارند. این واژه در روان‌شناسی برابر (personality) بُعدی از ابعاد درونی انسان و در درام برابر (character) کاراکتر است (ر.ک: بصیری، ۱۳۹۶:ب:۱۳۲). واژه شخصیت در درام در یونان کهن از کلمه «خاراسین» (kharassein) به معنی حکاکی کردن و عمیقاً خراش دادن است و طرح‌های منثوری بود از تیپ‌های مختلف آدم‌ها که در الگوی خاصی گنجانده شده بودند (ر.ک: براهنی، ۱۳۶۸:۲۴۹؛ میرعابدینی، ۱۳۸۰:۹۰).

شخصیت، از مؤلفه‌های طرح و عناصر اساسی داستان است. «اشخاص ساخته شده‌ای (مخلوقی) را که در داستان، نمایشنامه و فیلم‌نامه ظاهر می‌شوند، شخصیت می‌نامند. مخلوق ذهن نویسنده ممکن است همیشه انسان نباشد و حیوان شیء و طبیعت و چیز دیگر را شامل شود» (میرصادقی، ۱۳۹۴:۳۵۱).

شخصیت‌پردازی، خلق شخصیت‌هایی که برای خواننده و بیننده در حوزه داستان کوتاه و رمان مثل افراد واقعی جلوه می‌کنند و هویت راستین اشخاص داستان را نشان می‌دهد (براهنی، ۱۳۶۸:۲۸۵؛ میرصادقی، ۱۳۹۴:۳۵۱).

مضمون

مضمون، (تم) چکیده معنایی و مفهومی هر اثر، اندیشه اصلی، مسلط و محوری و از عناصر

محتوایی روایت است و با موضوع اثر متفاوت است. درون‌مایه از موضوع به دست می‌آید. موضوع، پدیده‌ها و حادثه‌هایی است که داستان را می‌آفریند و «اندیشه کلی‌ای است که زیر بنای داستان یا شعر قرار می‌گیرد. درون‌مایه، مضمون تشکیل‌شده از «درون» به معنی داخل و میان، به اضافه مایه به معنی اصل هر چیز، مصدر و اساس، و در مجموع «درون‌مایه» به معنی اصل درونی هر چیز است. مضمون نیز در لغت به معنی در میان گرفته شده و آنچه از کلام و عبارت مفهوم شود، می‌باشد» (داد، ۱۳۷۵: ۱۳۱). درون‌مایه، غالب ادبیات انقلاب اسلامی، حضور دوباره دین و باورهای دینی است. انقلاب اسلامی در فضای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه دگرگونی‌های فراوانی ایجاد کرد و منجر به احیای بینش اسلامی و اندیشه بازگشت به خویشتن با رهبری امام خمینی^(ره) شد و جریانی دینی را پدید آورد که نمودی از آن ادبیات دینی است. شعرا و نویسندگان با تأثیر از اندیشه‌های انقلاب و رویکردهای متفاوت آموزه‌های دینی را در شعر و نثر بازآفرینی کردند. درون‌مایه این نوع آثار، متأثر از مسائلی، مانند فرهنگ اسلامی، طرح آیات و روایات و مضامین دینی، آزادی، شهادت، ستم‌ستیزی، روحیه دنیازدگی، مردم‌ستایی، طرح اسوه‌های تاریخی است (ر.ک: کافی، ۱۳۸۹: ۱۸۵).

درون‌مایه دخیل عشق، دینی با رویکرد اجتماعی دفاع مقدس و نشان‌هایی از فداکاری و خدمت‌کردن است و می‌توان گفت که الگوی درون‌مایه از نوع شخصیت و عقیده است.

بحث

چکیده رمان

چکیده رمان دخیل عشق، با بهره‌گیری از دانش راهبردی بسط معنایی به شیوه خلاصه‌نویسی آزاد (به زبان خود) برای ارائه بهتر موضوع پژوهش به این شرح است. «حوریه، قهرمان رمان، از بهیاران دوران دفاع مقدس، نذر کرده با سید جانباز ازدواج کند و به «سیدرضا فرهمند» علاقه‌مند می‌شود که یک دست و دو پای او در دفاع مقدس قطع شده است. «حوریه» به سیدرضا پیشنهاد ازدواج می‌دهد و سیدرضا پاسخی نمی‌دهد. حوریه، به کشمکش ذهنی-عاطفی دچار می‌شود و خاطره تلخی در ذهنش می‌ماند. جشنی برای جانبازان می‌گیرند و شب آن جشن سیدرضا شهید می‌شود.

«زهره» برای دیدن دایی شوهرش که جانباز است به آسایشگاه آمده و حوریه را برای عمویش، «سیدرسول» که زنش، «رقیه»، از رفتار او دق کرده بود و سه فرزند دارد، خواستگاری می‌کند؛ اما

حوریه برخلاف اصرار اطرافیان موافقت نمی‌کند و شبی در خواب سیدرضا را می‌بیند که با خوشحالی برای ازدواج با سیدرسول به او اصرار می‌کند.

بشارتی، رئیس آسایشگاه، با ادامه کار حوریه به دلیل مجردبودن مخالف است. حوریه برای خدمت به جانبازان و اخراج‌نشدن، با سیدرسول ازدواج می‌کند. پس از ازدواج می‌فهمد، اعصاب شوهرش بر اثر سر و صدا تحریک می‌شود و به شدت بدنش را می‌خاراند و جوش‌های قرمزرنگی روی پوست دستش به وجود می‌آید و اطرافیان را کتک می‌زند و با همه دعوا می‌کند و از کار اخراج می‌شود و کسی علت این رفتارها را نمی‌داند. سیدرسول، به حوریه می‌گوید، وقتی سیزده‌ساله بود، برای پیدا کردن برادرش «سیدعبدالحسین» به جبهه رفت و دچار موج انفجار شد» (بصیری، ۱۳۹۶ الف: ۲۷۸).

حوریه، با تجربه کاری در آسایشگاه و حضور در جبهه با شنیدن سخنان سیدرسول می‌فهمد، علت عصبی بودن شوهرش موج انفجار و جوش‌های قرمز روی پوست دستش به دلیل شیمیایی شدن است و خوشحال است که به آرزوی خود که ازدواج با یک سیدجانباز بود، رسید و برای اثبات جانبازی او تلاش می‌کند. حوریه، برای تأمین هزینه زندگی به کار تایپ مقاله می‌پردازد. روزی هنگام تایپ از شدت خستگی از حال می‌رود و تزریقات چی به دلیل بی‌احتیاطی و سهل‌انگاری به او آمپول اشتباهی می‌زند و به‌اغما می‌رود.

در پایان داستان، حوریه با دعا و توسل اطرافیان به هوش می‌آید و آفاحیدر با گرفتن رأی کمیسیون به بیمارستان می‌آید و می‌گوید، سیدرسول جانباز سی درصد شناخته شد.

طبقه‌بندی شخصیت‌ها

شخصیت‌های رمان دخیل عشق، در موقعیتی دینی «وضعیت استقرار شخصیت در مجموعه‌ای از وقایع و روابط داستانی به گونه‌ای که تجربه‌ای دینی را القا کند» (مستور، ۱۳۸۴: ۱۷) آفریده شده‌اند و کنش و واکنش‌های آنان به این موقعیت متفاوت است.

نویسنده رمان، با استفاده از درون‌مایه دینی و یک جریان دیالکتیکی و نه انگاره‌برداری ساده، نمونه رزمندگان، خانواده شهدا و افراد مرفه و غنی‌ای را (پروتوتیپ) که می‌شناسد و عیناً در زندگی واقعی دیده است به عنوان مواد خام و ابزار اولیه یک نهاد یا تیز در برابر نیروی خلاقه و جریان ذهنی خود که آنتی‌تیز و برنهاد است قرار می‌دهد و حاصل این رویارویی هم‌نهادی (سنتز) است که همان شخصیت یا کاراکتر آفریده شده نویسنده است (ر.ک: دقیقیان، ۱۳۹۷:

۶۲)، که در فداکاری، دردمندی و دینداری شخصیت‌های رزمنده و خانواده آنان و ثروت و بی‌دردی شخصیت‌های غیررزمنده متبلور است. گروه اول، شخصیت‌های مثبت و مقدس که آموزنده دین‌باوری، فداکاری، شهادت‌طلبی و نوستالوژی جبهه، ستایشگر دفاع مقدس و عاری از کُشش و دل‌بستگی‌های مادی هستند و تعبد و توکل صفت‌میزه آنان است و نویسنده نگاهی تحسین‌آمیز به آنان دارد، شخصیت‌های معناگرا هستند. نمونه: «جانبازان آسایشگاه»، «امدادگران»، «رزمندگان» و «خانواده شهدا».

گروه دوم، شخصیت‌هایی مروج مادی‌گرایی که نگاهی کالایی و شیء‌واره به هم‌نوعان خود دارند و این مؤلفه‌ها آنان را به سمت تغییر و تحوّل در نگرش سنتی سوق می‌دهد و در باور آنان فداکاری، عقاید و ارزش‌ها مقوله پوچی است. نویسنده، نگاه اعتراض‌آمیز و انتقادی به غفلت و رفاه‌زدگی چنین شخصیت‌هایی را می‌آموزد و پاسداشت دستاوردهای انقلاب و دفاع مقدس را ترویج می‌کند. نمونه: «دکتر آسایشگاه»، «حبیب‌خان» و «پرویز» فعالیت زندگی این دسته از شخصیت‌ها فلج‌شده و «پویایی معنایی» (noody namics) یعنی تنش سالم و برانگیزاننده بین وضع موجود و معنایی که هنوز ارضا نشده از بین رفته و با وقوع این امر، ساختار انگیزشی آنان نیز مختل شده است و پیوند میان این شخصیت‌ها و معنا شکسته و این افراد در مسیر تعالی‌دهنده زندگی حرکت نمی‌کنند و برعکس بر خود متمرکز هستند و موضع توجه آنان احساس خلأ و پوچی درونی است که آنان را رنج‌داده به سوی احساس عمیق ناخشنودی سوق می‌دهد.

نام‌های دینی شخصیت‌ها

نام‌های دینی-مذهبی در این رمان متناسب با موضوع، فضا و فضیلتی برای شخصیت‌ها است. نویسنده، با این شگرد ترویج انتخاب نام‌های دینی را به مخاطبان می‌آموزد. نمونه: عمران، مراد، صفیه، صبوره، عادل و احسان نام و صفات شخصیت‌ها از محورهای تحلیل معنایی شخصیت‌ها است و مخاطب به ویژگی‌های درونی و برونی شخصیت‌ها پی می‌برد (ر.ک: اخوت، ۱۳۹۲: ۱۵۰).

(۴۲) شخصیت (۳۱٪)، نام و صفت شغلی؛ دینی دارند که این اسامی نشان از طبقه فرودست جامعه است و حس قدرت، شکوه و اقتداری را که در خواننده بر می‌انگیزانند، بسیار اندک است. ارتباط آوایی بین شخصیت‌ها، نام و عملکردشان نیست. بنابراین، ساختمان اسم

شخصیت‌ها از نظر ساده، مرکب و مشتق‌بودن، صلابت و هیبت خاصی مانند نام‌های رستم، اشکبوس و امیرتیمور، به صاحب نام نمی‌دهد. شخصیت‌های فرادست و فرودست، القاب اعیانی که منبعث از ثروت، فقر و نداری آنان باشد، ندارند.

نام شخصیت‌ها در موارد اندکی گویای نمای روانی-اجتماعی، احوال درونی و ذهنیات شخصیت‌ها است، اما محتوی دینی-اعتقادی رمان را بیان می‌کنند.

نمونه: رسول، از شخصیت‌های رمان است، حوریه بعد از شهادت سیدرضا و ناامیدی از ازدواج با او، رسول را که خواستگارش است، فرستاده و پیک سیدرضا می‌داند و معنی واژه رسول با حضور او در رمان همخوانی دارد و پیوند ظریفی را بین شخصیت و کنش او ایجاد می‌کند. «رضا خودش رسول را فرستاده بود سراغش» (بصیری، ۱۳۹۶ الف: ۱۹۴).

نمونه: نام آقا حیدر، که او را دلاور خطاب می‌کنند، بر اساس شجاعت و سلحشوری او در دفاع مقدس، حکمت و معرفتش در کمک به سیدرسول و استفاده نکردن از مزایای دولتی یادآور مفهوم دلاوری است.

نویسنده در انتخاب نام برخی شخصیت‌ها از طنز، تضاد، نمایش وارونه و ناهمخوانی نام برای بیان نقاط ضعف، معایب و نواقص شخصیت‌ها استفاده می‌کند.

نمونه: بشارتی، مدیر آسایشگاه، بر خلاف مفهوم نامش که مزده، نوید و خبرخوش است، با انذار و ترس حوریه را به اخراج و توبیخ تهدید می‌کند. بنابراین، نویسنده در پردازش نام این گونه شخصیت‌ها از نمایش وارونه و ناهمخوانی نام بهره می‌برد.

نمونه: قادر، به معنی توانا از زاویه دید دیگر شخصیت‌ها شخصیتی خواب‌آلود و بی حال است که با مفهوم نامش در تضاد است و نویسنده با این شگرد، پرخوابی را که در تعالیم اسلامی و عرفانی از رذائل اخلاقی است، نکوهش می‌کند و پرهیز از آن را تعلیم و ترویج می‌دهد. «قادر بازم خوابیده؟ اینم که مثل من زوارش در رفته و همش از حال می‌ره» (همان: ۳۸).

نویسنده، در نامگذاری شخصیت‌ها به‌ویژه شخصیت‌های رزمنده، از مسئولیت و عنوان شغلی آنان بهره می‌گیرد و با این روش به معرفی بیشتر، بیان هویت فکری و عاطفی شخصیت‌ها می‌پردازد. مثلاً: بهره‌گیری از صفت‌هایی، مانند فرمانده، تخریب‌چی، امدادگر، دیده‌بان، غواص، عکاس، بی‌سیم‌چی، مداح و نگهبان.

بصیری، از القاب و عناوین بعد از انقلاب و دوران دفاع مقدس، مانند برادر، خواهر، سید، همسر شهید، روحانی، حاج آقا و حاجی در خطاب قرار دادن شخصیت‌ها استفاده می‌کند که مطابق با درونمایه داستان و بیانگر بعد تربیتی و ترویج احترام به دیگران در خطاب قرار دادن آنان است. نمونه: «نه عمو مال سید رضاست.» (بصیری، ۱۳۹۶ الف: ۲۶)، گفت: «حاج آقا مرد خوبی، هر ماه میاد زیارت» (همان: ۲۱).

محور اعتقادی شخصیت‌ها

قرآن کریم، منشأ تعلیم و تربیت دینی است. دین اسلام، در سه بخش اعتقادی، احکام و اخلاقیات قابل پژوهش است. «مباحث اعتقادی و اصول عقاید از تعلیمات قرآن است که در نهاد هر انسانی ریشه دارد، به وسیله پیغمبر باطنی، اندیشه و خرد بدان راهنمایی می‌شود که این گونه احکام در علم کلام بررسی می‌شود، در این علم از خدا که مبدأ آفرینش و صفات او به‌ویژه عدل الهی و از پیغمبران و زندگی پس از مرگ و از مسأله جانشینی پیامبر^(ص) بحث می‌کند» (فیض، ۱۳۷۸: ۲).

توجه اندیشمندان به محورهای سه‌گانه دین اسلام رویکردهای متفاوت فقهی، فلسفی و عرفانی ایجاد می‌کند. این رویکردها از دیر باز در ادبیات فارسی در سبک‌های تعلیمی، فلسفی-کلامی و عرفانی نمود می‌یابند. رویکرد فقهی در اصول اعتقادی، احکام و اخلاق و رویکرد فلسفی-کلامی در اصول اعتقادی و رویکرد عرفانی در اصول اعتقادی و اخلاقی قابل پژوهش و بحث است. با توجه به این تقسیم‌بندی جامع و پذیرفته و بروز آن در ادبیات انقلاب اسلامی به تحلیل این رویکردها در رمان دخیل عشق پرداختیم که مصداق‌های رویکرد فقهی و اعتقادی در سبکی تعلیمی بر دیگر رویکردها غالب است.

عوامل تقویت‌کننده و شکل‌دهنده رویکرد تعلیمی در ادبیات انقلاب اسلامی و به‌ویژه در رمان‌های دفاع مقدس؛ الهام‌گیری انقلاب از موازین شرعی، آغاز دفاع مقدس، حمایت برخی نهادهای دولتی، شکل‌گیری جریان دینی در ادبیات، برخورد تدافعی اندیشه نه شرقی و نه غربی با جریان‌ها و نگرش‌های تبلیغی مارکسیستی شرقی و روشنفکری غربی به‌جا مانده از دوره پهلوی است که اهدافی تربیتی، ترویجی، تبلیغی و برانگیختن مخاطب را به دنبال دارد (ر.ک: حنیف، ۱۳۹۶: ۳۴).

اصول اعتقادی، احکام و اخلاقیات دین اسلام، دست‌مایه‌هایی است که بصیری برای ترویج، بازآموزی و شرح باورهای دینی، صفات اخلاقی و فداکاری در این رمان به کار می‌گیرد. اعتقادات دینی، دریافت و فهم عقلانی انسان مسلمان از اصول دین است که در فقه و فلسفه اسلامی با رویکردی اعتقادی، فلسفی و در ادبیات فارسی در سبکی تعلیمی قابل بحث و بررسی است.

در ادامه با الگو قرار دادن اصول و مبانی دین اسلام در محورهای سه‌گانه اعتقادی، حکمی و اخلاقی به تحلیل محتوایی و بررسی ابعاد اعتقادی دین اسلام، مذهب تشیع و نحوه به‌کارگیری این محورها در شخصیت‌پردازی و پیوند آن با درون‌مایه دخیل عشق می‌پردازیم.

توحید‌گرایی

توحید، نبوت و به‌تبع آن معاد شرط تحقق اسلام حقیقی است. بصیری، از زبان شخصیت‌ها اصل اعتقادی توحید را در باور به یگانگی، توکل بر قدرت و اراده خدا و وانهادن سرانجام امور به خدا در مفاهیمی مانند تکبیر، تشهد، اراده و مشیت باری تعالی و خواست خدا می‌آموزد و اراده، خواست الهی و توکل شخصیت‌ها در گره‌گشایی از مشکلات را در وجه التزامی و امیدوارکننده عباراتی مانند انشاءالله و ماشاءالله ترویج و توصیه می‌کند تا به مخاطب بیاموزد، فداکاری و تلاش شخصیت‌ها برای حفظ اصل توحید، آرمان‌های اسلام و فراموش نکردن اراده و خواست برتر الهی بر دیگر سبب و علل و توجه به مفهوم «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (الفتح، ۱۰) است.

نویسنده باور به عناصر فرارثالیستی، منطقی و جهان‌بینی ایمانی و معجزه را با قصد بخشیدن صبغای ماورائی و الوهی به شخصیت‌های با ایمان ترویج می‌کند که مصداقی از این نگرش را در بیهوشی قهرمان رمان می‌بینیم. «صدای گریه و فریادهای مادر در گلویش خفه شده‌است. چشمانش به حوریه مانده‌است که مثل جنازه جلوی رویش دراز کشیده و دکتر می‌گوید باید منتظر معجزه‌ای باشند» (بصیری، ۱۳۹۶: الف: ۳۵۲).

نبوت

نویسنده، اعتقاد به نبوت، پیامبری و عمل به سنت‌های رسول اکرم^(ص) را در ادای احترام، خدمت به اولاد پیامبر^(ص) و سادات در گفتار و رفتار شخصیت‌ها ترویج می‌دهد. نمونه: «خدمت به اولاد پیغمبر هم دست کمی از خدمت به جانبازها ندارد» (همان: ۱۰۲).

معاداندیشی

معاد و باور به زندگی پس از مرگ پس از دو اصل توحید و نبوت از مهمترین پایه‌های اصول دین اسلام است. «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» (نساء، ۸۷). معاد در لغت به معنی رد کردن و بازگردانیدن است که در قرآن کریم تنها یکبار در معنای لغوی خود به کار رفته است.

بصیری، مخاطب را به ارزش و ضرورت یاد از مرگ و قیامت تشویق می‌کند و مخاطب را از تغافل معاد نکوهش و برحذر می‌دارد و تفکر متعالی به پدیده مرگ را از زبان شخصیت‌های داستان می‌آموزد و با کمک شخصیت‌ها صحنه‌های مختلفی را از رویارویی با مرگ با هدف تشویق به کمال‌گرایی، رفع نواقص اخلاقی و تربیتی می‌آفریند. مثلاً صحنه شهادت سید رضا (ر.ک: همان: ۷۸) و به اغما رفتن حوریه (ر.ک: همان: ۳۵۲).

دخیل عشق، باور به رستاخیز و قیامت را در مصادیقی مانند شهادت، شهید، مرگ، صحرای محشر، بهشت، جهنم، برزخ و ملک‌الموت ترویج می‌کند. در ادامه به تحلیل مفاهیم پربسامد مرتبط با معاد در دخیل عشق می‌پردازیم.

مقام و منزلت شهیدان

شهید و شهادت از واژه‌های مقدس، شاخصه‌های دین اسلام، انقلاب اسلامی و از دست‌مایه‌های دیرینه شاعران و نویسندگان است. فرهنگ غنی فداکاری و شهادت تجلی معیارها و تعالی دینی است که در روابط انسانی شهدا آشکار است و باور به مسئولیت، وظیفه انسانی و اندیشه دریغ‌نورزیدن از جان و جسم نسبت به دیگر هموطنان را تقویت می‌کند.

بصیری، واژه‌های شهید و شهادت را ۵۳ مرتبه به کار می‌برد. شهادت اوج زندگی قهرمان و از مهمترین موضوعات این رمان است. نویسنده با در نظر داشتن منزلت شهدا در آیات قرآن کریم (اجر اخروی) در آیه شریفه «وَالشَّهْدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ» (الحدید، ۱۹) و (حیات جاوید و رستگاری) در آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران، ۱۶۹)، زنده نگه‌داشتن یاد و خاطره بزرگ‌ترین سرمایه‌های جامعه را تبلیغ و ترویج می‌کند و برای مستند کردن سخن خود و بالابردن تأثیر کلام خویش با آرایه تلمیح به مضمون آیات قرآن کریم استشهاد می‌کند. بصیری، با به تصویر کشیدن غبطه جانبازان بر علو درجه شهدا «از خدا شاکی بود که چرا تو خرم‌شهر شهیدش نکرده» (بصیری، ۱۳۹۶ الف: ۷۷) و

از زبان شخصیت‌هایی که رفتن به جبهه را افتخار، شهادت را میل قلبی و اشتیاق درونی، حق و امتیازی برای رزمندگان می‌دانند، شهادت‌طلبی را به مخاطبین می‌آموزد.

شخصیت‌های رزمنده و جانباز، دین، فریضه و وظیفه دانستن شهادت، دعا برای شهید شدن، شجاعت، هراس نداشتن از شهادت، واکنش خیرخواهانه و مسیر نیل به کمال و زندگی متعالی اخروی را که بیانگر صبغه آرمانگرایی آنان است، به مخاطب می‌آموزند «در واقع ترس از مرگ، ترس از خود است. مرگ هرکس هم‌رنگ و متناسب با نوع زندگی و اندیشه او است. پیدایش «ترس از مرگ» ریشه در مکتب مادی‌گرایان دارد. در نظر منتقدان این گروه، زندگی مجددی وجود ندارد و مرگ پایان راه زندگی انسان است و نابودی آن‌ها را در پی خواهد داشت» (سلیمانی‌دلارستانی، ماهیار، ۱۳۹۶: ۱۱۹).

روایت دخیل عشق، هدف جمعی و مقدس دانستن شهادت را که نشان از اندیشه و تفکر جمعی و حرکت آگاهانه آنان در راه حق و آخرت‌گرایی است، تعلیم می‌دهند «من از این‌که به خاطر سلامتی شما و در راه خدا فقط دست و پاهام رو هدیه کردم و شهید نشدم، شرمنده‌ام» (همان: ۶۷).

نویسنده، درس چگونگی و ضرورت تکریم و ستایش از مقام شهدا، را با توصیف صحنه‌های تشییع باشکوه و دفن شهدا در مکان‌های مطهر و ارزشمندی، مانند صحن حرم امام‌رضا(ع)، جشنواره دفاع مقدس، موزه شهدا، انزجار و تنفر از زندگانی، پست‌دانستن زندگی مادی، تزکیه نفس و اندیشه زندگی اخروی، تجلیل از بازماندگان شهدا، تحذیر و تنبیه از فراموشی شهدا ترویج و تبلیغ می‌کند.

بازماندگان شهدا

بازماندگان شهدا، در قرآن کریم و احادیث به دلیل صبر بر مصیبت، نزد خدا جایگاهی ارزشمند و مرتبه والایی دارند. خداوند در قرآن کریم بر آنان درود می‌فرستد و بر جلب خشنودی، رضایت و ارزشمندی آنان تأکید دارد، از جمله در آیه «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (بقره، ۱۵۷). بصیری، با روی آوردن به مفاهیم این گونه آیات با زبانی عاطفی که از فضائل اخلاقی دین اسلام است، انتظار پاداش روز جزا و یادآوری معاد، دلجویی و احترام به بازماندگان شهدا را برای کاستن از آلام روحی و ایجاد حس همدلی

و تقویت همبستگی دینی-ملی می‌آموزد و از این‌که دنیازدگی و رفاه‌طلبی باعث فراموشی یادگارهای شهدا شود، به مخاطبین هشدار می‌دهد.

بصیری، برای تبیین این مفهوم از واژه‌های وضعی و ایجادی ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس همانند، هم‌سنگر، هم‌رزم، همسر شهید، پدر شهید، برادر شهید و مادر شهید را که یادآور بازماندگان و خانواده شهدا هستند، بهره گرفته و با این شگرد فرهنگ تکریم به این اشخاص را ترویج می‌دهد.

تحدیر از فراموشی شهدا

آگاهی نویسنده رمان از زمانه خود، در دعوت مخاطب به بیداری و دوری از اهمال و غفلت آشکار است. غفلت‌ستیزی، از مؤلفه‌های ادبیات انقلاب است و مخاطب را به شیوه مستقیم و غیر مستقیم هشیار می‌کند که تحولات اجتماعی آنان را از ارزش‌ها، جانفشانی‌ها و دستاوردهای این دوره غافل نکند و شور آن خاطرات را در دل‌ها زنده کند و شهدا و جانبازان به فراموشی سپرده‌نشوند (ر.ک: کافی، ۱۳۸۹: ۱۶۰).

بصیری، به‌طور غیر مستقیم در سخن و کنش شخصیت‌ها توصیه بر یادکرد گذشته، پرهیز از فراموشی روزهای جنگ، یاد یاران شهید، پاس‌داشت خاطر آنان و دلجوئی از خانواده آنان دارد. نمونه: «مداح همان‌طور که دارد با صدای گرفته‌اش شعری برای امام‌زمان می‌خواند، گلویش صاف صاف شود و بتواند شب نیمه شعبان در حرم برای همه، برای همه آن‌هایی که آن‌ها را فراموش کرده‌اند؛ شعری زیبا بخواند و دوباره شور شب‌های عملیات را در دل‌ها زنده کند» (بصیری، ۱۳۹۶ الف: ۱۹۰).

بصیری، تکریم بازماندگان شهدا را از زبان شخصیت‌ها به شیوه مستقیم، امر و نهی شخصیت‌ها خطاب به یکدیگر به مخاطب هشدار می‌دهد. نمونه: «-خوبیت نداره دختر شهید رو بیشتر از این اذیت کنی. یه پاش این جاست؛ یه دستش به تلفن» (همان: ۱۲۶).

عدل

عدل، از صفات الهی، وجوه آرمان‌خواهی مذهب شیعه، شرط ایمان، رکنی جهانی در زندگی بشر و از مضامین پایداری و انقلاب اسلامی است. قرآن کریم در آیاتی از جمله «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (نساء، ۱۳۵). از مفهوم عدل با واژه «قسط» یاد می‌کند و در امر به عدالت می‌فرماید «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (المائدة، ۸).

امام علی^(ع) در توصیف عدل و احسان می‌فرماید: «عدل، همان انصاف و احسان همان بخشش است» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: ۴۸۳). محمد ابن مکی در متون فقهی در تعریف عدالت می‌گوید؛ ملکه نفسانی است که بر پرهیز از گناهان کبیره و اصرار بر صغیره تأکید دارد (مکی، ۱۳۹۰: ۱۰۴). بصیری، باور به عدل الهی، رعایت حقوق فردی و اجتماعی، توصیه به احسان، عدالت‌ورزی و انصاف، ملاطفت و بخشایش را در مفاهیم حلالیت، بخشایش، رضایت و راضی به مخاطب می‌آموزد و مخاطب را به مردمداری، شفقت و عفو خداوند ترغیب می‌کند و با این شگرد رویه دیگر عدل را که ستم و امساک است، نکوهش و مذمت می‌کند. نمونه: «دیدم آقارَسُول چطور تو محل به هر کی می‌رسه حلالیت می‌خواد» (بصیری، ۱۳۹۶ الف: ۳۴۶). این شخصیت با حلالیت‌خواهی از مردم، با فرض حق پای‌مال‌شده آنان که سبب بی‌عدالتی شده‌است، خواستار بخشایش است.

بصیری، مفهوم روحیه عدالت‌خواهی را در فراهم‌کردن زمینه ظهور امام غائب^(ع)، احقاق حق امام حسین^(ع) در قیام عاشورا، حلالیت‌خواستن شخصیت‌های جانباز قبل از شهادت، رضایت، خشنودی و موافقت ضمنی خانواده‌ها به‌ویژه مادران فداکار و صبور از اعزام فرزندان خود به جبهه و آرزوی شهادت آنان برای دفاع از میهن ترویج می‌کند.

امامت

امامت، از اصول مذهب شیعه و تأییدکننده حاکمیت دینی است. بصیری، رمان خود را در ۱۴ بخش روایت می‌کند که نمادی از چهارده معصوم^(ع) است و با روایت داستان در شهر مشهد و بردن صحنه‌های داستان به حرم مطهر امام رضا^(ع)، پرداختن به مسئله ظهور و انتظار، اختصاص صحنه‌هایی به اعیاد میلاد امامان معصوم مانند امام حسن^(ع)، امام زمان^(ع) و فرهنگ عاشورا به ترویج این حوزه اعتقادی، فرهنگ شیعی جهاد و شهادت و پیروی از ائمه می‌پردازد و معنی زندگی را با توسل به ائمه^(ع) با نگاهی معنوی، دینی و عرفانی به مخاطب می‌آموزد و مسیر تعالی معنوی را در این مفاهیم تبیین می‌کند. در ادامه به تحلیل مضامین پربسامد این اصل اعتقادی می‌پردازیم.

امام‌رضا^(ع)

پیروی و تبعیت از امام‌رضا^(ع) در دخیل عشق مورد تعلیم و تأکید است. ترکیب امام‌رضا^(ع) (۴۶ مرتبه) و واژه حرم (۷۳ مرتبه) از پُر بسامدترین واژه‌ها با هویت دینی و عقیدتی در این

رمان است و نویسنده، برای بیان صفات امام‌رضا^(ع) از القاب رایج در فرهنگ عامه، مانند امام غریب، غربت کشیده طوس، یاور غریبان و ضامن آهو بهره‌می‌برد. «ضامن آهو چه زود واسطه شد و خدا خواسته من رو داد» (بصیری، ۱۳۹۶ الف: ۳۰۳).

۲۲۹

حرم، از صحنه‌های مکانی داستان است. حضور شخصیت‌های داستان در حرم مطهر امام رضا^(ع) برای آفریدن موقعیت دینی عینی و بخش جدائی‌ناپذیر زندگی آنان است. شخصیت‌ها با حضور در حرم، سعادت شرکت در نماز جماعت، شهادت‌طلبی، عشق به زیارت مرقد مطهر، گفت و گو و نزدیکی به خدا و امام رضا^(ع)، گرفتن حاجت، دعا و راز و نیازکردن، کسب آرامش روحی، کاستن از آلام جسمانی، طلب سلامتی اطرافیان، واسطه‌شدن امام رضا^(ع) در حل مشکلات را ترویج می‌کنند. «حوریه نمی‌داند، دست خودش زودتر از پنجره فولاد جدا می‌شود و یا دست رضا. نمی‌داند او زودتر حاجت‌روا می‌شود و یا رضا» (همان: ۷۴).

شخصیت‌ها دوری از حرم را مذمت می‌کنند و سبب غصه، اندوه و عیب می‌دانند و ارزشمندی همسایگی با حرم را ستایش و ترویج می‌کنند و فضیلت سُکنی گرفتن در جوار حرم را با وابستگی عاطفی و معنوی، آرزوی دفن‌شدن در جوار صحن امام رضا^(ع) تبلیغ می‌کنند و داشته‌های خود را از لطف امام و حرم می‌دانند. نمونه: «مادر از کم‌سعادت‌اش می‌گوید که نمی‌تواند هر روز برای نماز به حرم برود» (همان: ۱۰۷).

یادآوری قیام عاشورا

فرهنگ عاشورا از بنیان‌های دینی، مذهبی و الگوگیری انقلاب اسلامی از تاریخ اسلام و از رویدادهای محتوایی ادبیات فارسی است. شهادت امام حسین^(ع) در تاریخ شیعه از وقایع مهم و از نظر اهمیّت بعد از واقعه غدیر خم و انتخاب حضرت علی^(ع) به جانشینی پیامبر اکرم^(ص) است (ر.ک: عنایت، ۱۳۷۲: ۳۰۸). نویسنده، با وام‌گیری و اثرپذیری از قیام امام حسین^(ع) و استفاده از زاویه‌های ورود مضمون‌های عاشورایی، مانند زیارت عاشورا، باور به شفاعت‌بخشی تربت کربلا، تربت و شوق زیارت بارگاه امام حسین^(ع)، آرزوی رسیدن به کربلا، ذکر نام عملیات‌ها تجلیل و الگوگیری از امام حسین^(ع) و ادامه‌دادن نهضت آن حضرت به‌عنوان سرنمونه خصایص قهرمان‌اعلای مبارزه علیه ستمگران و ترویج روحیه قهرمانی، پایداری، کرامت انسانی و آزادگی، فداکاری، عدالت‌خواهی، مبارزه‌جوئی و شهادت‌طلبی را می‌آموزد که باعث تحوّل

مضمونی در این رمان است. نمونه: «کمی تربت کربلا را با آب زمزم، در قاشقی خیس می‌کند و در دهان عزیز می‌ریزد» (بصیری، ۱۳۹۶ الف: ۱۷۷).

فرهنگ انتظار

انتظار موعود از ابعاد عبادی، اعتقادی، سیاسی و جلوه‌های مذهب شیعه است. قرآن کریم در آیاتی مانند «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (القصص: ۵)، وعده و مژده ظهور امام غائب را به مستضعفان و ستم‌دیدگان می‌دهد. رسیدن به عدالت و آزادی واقعی از مشخصه‌های جامعه آرمانی موعود و از بارزترین مفاهیم ادبیات انقلاب اسلامی و اهداف ادبیات پایداری است که با هدف ترویج و زنده‌کردن امید به آینده، تغییر شرایط حاکم و وضع موجود بر جامعه، پیروزی حق بر باطل، ستم‌ستیزی و حمایت از مظلومان پیوند می‌خورد. آنچه به امیدواری شیعه به پیروزی نهائی بر ظلم و ظلمه رنگ موجبیت تاریخی می‌دهد، انتظار فرج و رجعت امام غائب است» (عنایت، ۱۳۷۲: ۵۲).

بصیری، حوادث و صحنه‌هایی از زمان را در ماه شعبان می‌آفریند. شخصیت‌ها در این بُعد اعتقادی با ترسیم فضایی معنوی و شاد در ماه شعبان؛ زنده‌نگه‌داشتن روحیه امید به آینده در قلوب امت پایدار و جلوگیری از بروز ضعف و سستی، نوید پیروزی حق و نابودی ستم، بی‌قراری، اشتیاق و آرزومندی شیعیان به موعود و تلاش برای فراهم کردن زمینه ظهور امام زمان (عج) را به مخاطب می‌آموزند. نویسنده، با نگرشی دینی مژده پیروزی و امید را که از ویژگی‌های ادبیات پایداری است، در قالب مفاهیمی مانند مرد موعود، مناجات شعبانیه، جشن نیمه شعبان و میلاد امام زمان (عج) ترویج می‌کند.

نمونه: «می‌گذارد تلویزیون همه اتاق‌ها از مرد موعود بگویند و شور و شادی جشن از سر و روی همه ببارد» (بصیری، ۱۳۹۶ الف: ۱۸۹).

احکام اسلامی

احکام اسلامی، مجموعه فرامین الهی که بر رفتار ظاهری انسان مسلمان حاکم و مطابق فقه اسلامی بر دو قسم تکلیفی و وضعی است. احکام تکلیفی، به پنج نوع واجب، حرام، استحباب، کراهت و اباحه تقسیم می‌شود (ر.ک: فیض، ۱۳۷۸: ۱۱۰).

شخصیت‌های دخیل عشق، مروج احکام تکلیفی در مباحثی مانند نماز، روزه، حج، حلال و حرام، کفن و دفن میت و احکام مستحب در انس با قرآن کریم، صلوات، زیارت اماکن متبرکه، تسبیح، استخاره، تبرک، راز و نیاز، دعا، نذر، آداب خواستگاری و نکاح هستند.

احکام واجب

نماز

اقامه نماز، از احکام واجب دین اسلام است و در آیاتی متعدد از جمله سوره هود آیه ۱۱۴، سوره المعارج آیه ۱۹، سوره مومنون آیه ۱ بر اقامه نماز تأکید می‌شود. از نظر امام‌علی^(ع) نماز «راه نزدیکی به خدا است» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: ۲۹۹).

این رمان، ۲۵ صحنه از برپایی نماز به‌ویژه در حرم مطهر امام‌رضا^(ع) دارد. نویسنده، اقامه نماز شخصیت‌ها را در شرائط و صحنه‌های مختلف ترسیم می‌کند تا تصویری از اهمیت نماز، مسجد محوری، کوشائی و حمیت در انجام اعمال دینی، اجتماع‌گرایی، یکپارچگی، تفکر اجتماعی را به مخاطبین بیاموزد. ترسیم اقامه نماز شخصیت‌های جانباز در شرائط دردناک جسمی و روحی مؤید این آموزه است و به مخاطب می‌آموزد، نماز برای طی مسیر تعالی باید در هر شرائطی اقامه‌شود و صحنه اقامه نماز جانباز قطع نخاع را این چنین ترسیم می‌کند «خدمت‌کاری کمک می‌کند تا پاشا وضو بگیرد و همان طور که خوابیده، روی تختش نماز بخواند» (بصیری، ۱۳۹۶ الفک ۱۱۱).

بصیری، با خلق صحنه‌هایی از نمازهای زیارت، شکر، عید فطر، جماعت و میت مخاطب را به ترویج و شرکت در اقامه نماز ترغیب و تشویق می‌کند.

روزه

شخصیت‌های داستانی، یک ماه از سرگذشت خود را در ماه رمضان سپری می‌کنند. نویسنده، با اختصاص دادن صحنه‌هایی به آداب روزه‌داری، افطار، دعای سحر، دعوت روزه‌داران به میهمانی افطار، بزرگداشت شب‌های قدر و احیا و عید فطر انجام این تکلیف واجب را تبلیغ و مخاطب را به انجام آموزه اسلامی، ایرانی و عرفانی کم‌خوردن که ضامن تندرستی است، تشویق و ترغیب و پُر‌خوری را مذمت می‌کند. نمونه: «شب‌زنده‌داری‌های قدر حوریه، بالای سر رسول است که ناگهان داد و بیداد می‌کند» (همان: ۲۳۴).

احکام مستحب

مستحبات، شاخه‌ای از احکام دین اسلام است که بر انجام آن تأکید می‌شود. پُربسامدترین اعمال مستحب که نویسنده رمان دخیل عشق به آن می‌پردازد تسبیح (۳۴ مرتبه)، زائر و زیارت (۱۶ مرتبه)، استخاره (۱۱ مرتبه)، ضریح (۱۱ مرتبه)، صلوات (۱۱ مرتبه) و نذر (۹ مرتبه) است که برخی از این مفاهیم را تحلیل می‌کنیم.

دعا

دعا، از واژه‌های قرآن کریم، عبادات، باورها و عوامل معنوی مؤثر در زندگی انسان‌ها و مسئلت از حق تعالی است، از جمله در آیه «و قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ» (مومن: ۶۰)، خداوند متعال از انسان‌ها خواسته است به درگاهش پناه برند و از او مسئلت داشته باشند تا بدین طریق به آرزوها و اهداف خود برسند و نتیجه رویگردانی از دعا را دخول در آتش می‌داند. امام علی^(ع) می‌فرماید «امواج بلا را با دعا از خود دور سازید» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: ۴۷۱).

در دخیل عشق، بسامد واژه دعا (۳۸ مرتبه) و وجه دعائی جملات آن تلقی دینی نویسنده و از ویژگی‌های سبک زنانه است. رویکرد نویسنده، در باز کردن گره‌پیچ حوادث داستان غالباً دینی و از طریق دعا است. شخصیت‌های داستان، با دعا کردن؛ نظر به الطاف عامه و خاصه حق، اجر و پاداش این عبادت، گشایش گره‌های بسته زندگی، رهایی از افسردگی و اضطراب روحی، دفع حوادث بد، برآورده شدن آرزوها و طلب حاجت و استمداد را که گونه‌ای از تجلی ایمان به خدا و نیازمندی انسان به دعا در زندگی است، به مخاطب می‌آموزند. شخصیت‌ها در دعاهاى خود خواسته‌هایی مانند شهادت، سلامتی و دفع بیماری و حادثه دارند و با توسل به دعا پشتیبان معنوی فرزندان خود در اعزام به جبهه هستند. نمونه: «چقده زمان جنگ دعا می‌کردی خدایا کاش این پسر بزرگ بود و می‌فرستادمش تو راهت شهید شه» (بصیری، ۱۳۹۶ الف: ۵۴).

نکاح

نکاح، از احکام مستحب مؤکد دین اسلام است و در آیاتی از جمله سوره نساء آیه ۳ و سوره نور آیه ۳۲ بر آن تأکید می‌شود. بصیری، با آفرینش صحنه‌هایی رویکرد دینی به عشق و ازدواج را با در نظر گرفتن رشد جمعیتی بعد از دوران دفاع مقدس، نذر قهرمان رمان مبنی بر ازدواج با سید جانباز و جنبه عشق متعهدانه و فراجنسی را ترسیم می‌کند و با ازدواج ایثارگرانه خود با

جانباز اعصاب-روان در پاداش مبارزه او با دشمن سهیم است. نویسنده، از آغاز سیر روایت داستان مسئله اجتماعی ازدواج، آداب خواستگاری و ابراز عشق از سوی قهرمان زن را با هدف بزرگداشت مقام جانباز ترویج می‌کند و نقش منفعل و پذیرنده زنان را در ازدواج نکوهش و کنار می‌گذارد. از زبان شخصیت‌ها مخاطب داستان را تشویق به ازدواج می‌کند و خصلت فردی سخت‌گیری در ازدواج را نکوهش و مذمت می‌کند. بصیری، با پرداختن به این مضمون، قصد ترویج و تبلیغ مستحبات دینی و عمل به سنت پیامبر اکرم^(ص) و فراهم کردن رشد اخلاقی و زمینه‌ساز تعالی را دارد.

احکام اخلاقیات

به گرایش‌های عاطفی انسان که در نفرت و عشق متلبور است، اخلاقیات گویند و مطابق فقه اسلامی متکفل بیان خیر و شر، فضیلت و رذیلت است. دین اسلام تخلق به فضایل اخلاقی و اجتناب از رذائل را امری پسندیده می‌داند و بر آن توصیه و تأکید دارد (ر.ک: فیض، ۱۳۸۷: ۲).

فضائل

فضائل از اخلاقیات دین اسلام است. بصیری، فضائل اخلاقی را در مفاهیمی مانند فداکاری، ساده زیستی و دل‌بستگی نداشتن به مادیات، شوق دفاع، شهادت طلبی، شکرگزاری، صبر، شجاعت و حجاب در قالب آموزه‌های دینی تبلیغ و ترویج می‌کند که به نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم.

ایثار

ایثار و ایثارگری، از فضائل دین اسلام و پرکاربردترین موضوعات ادبیات انقلاب و دفاع مقدس است. فداکاری، مهمترین بستر درون‌مایه این رمان است که شاخصه‌ای از آن در بسامد واژه جانباز (۶۳ مرتبه) متلبور است. بصیری، ایثار را نوعی مسئولیت مؤمنانه افراد، تکلیف و وظیفه می‌داند که ترویج خودم‌محور نبودن و نکوهش خودخواهی است. می‌توان گفت هدف نویسنده، این تفکر را القا می‌کند که اشخاصی فداکار، با اخلاص بدون انتظار اجر و پاداش تربیت شوند. بصیری، مفهوم ایثارگری را افتخار می‌داند. این مفهوم را از مناظر مختلف در شخصیت‌های شهید، جانباز قطع نخاع، قطع عضو، اعصاب-روان و شیمیایی، بهیاران و امدادگران القا می‌کند.

بصیری، حس نوع دوستی، علاقه به هم‌نوعان و مسئولیت انسانی را در شخصیت‌های امدادگر، جانباز و شهید با رفتن به جبهه و امداد رسانی، تکلیف‌گرائی، از خودگذشتگی و دفاع از هم‌وطنان و در شخصیت‌های غیر رزمنده با خدمت به جانبازان، خانواده‌های مستضعف و تشویق فرزندان‌شان در اعزام به جبهه که نوعی دیگر محوری، فضیلت، دعوت به مبارزه و تحمل سختی‌ها که از آموزه‌های دین اسلام است، تبیین می‌کند. نمونه: این صفات در رفتار شخصیت‌هایی مانند عذراخانم که با آرزوی داشتن فرزند پسر برای اعزام به جبهه، علاقه‌مندی به خانواده شهدا، نگهداری از بچه‌های سیدرسول جانباز در رفتن او به اهواز و بخشیدن تلویزیون خود به آن‌ها آشکار است (بصیری، ۱۳۹۶ الف: ۳۰۲).

نویسنده در سیر روایت و محور عاطفی داستان، تجلیل از ایثار و مقام جانبازان را در مناسبت‌های مختلف، مانند روز جانباز و اعیاد مذهبی ترویج می‌کند و فراموش نکردن غصه رزمندگان، لزوم دلجویی و توجه خدمت به جانبازان را توصیه می‌کند.

شخصیت‌ها، خدمت خالصانه و بدون انتظار اجر دنیوی به جانبازان را به عنوان عبادت، افتخار، ادای دین، وظیفه، برترین مقام و به‌نشانه تکریم به مخاطب می‌آموزند. نمونه: «من کارم رو با پادشاهی دنیا هم عوض نمی‌کنم. این آسایشگاه هم از هزار تا ویلا برام قشنگ‌تره» (همان: ۴۵).

نمونه: قهرمان داستان ازدواج با جانباز را آرزو و در حد رفتن به بهشت و آسمانی شدن می‌داند. نمونه: «[حوریه] من نذر کردم فقط همسر یه جانباز بشم، اما نمی‌دونم چرا این همه سال نشد. شاید لیاقتش رو نداشتم. شایدم زیادی سخت‌گیر بودم» (همان: ۱۷).

ساده‌زیستی

ساده‌زیستی و قناعت در دین اسلام فضیلت است. شخصیت‌های مبارز با هویت و نگرش دینی به زندگی دنیوی؛ ساده‌زیستی در روابط انسانی، دنیاشناسی، خودشناسی، عدالت‌خواهی شیعی، رعایت حق الناس، سعه صدر، آخرت‌گرایی، تحقیر اشرافیت و دنیازدگی، تحمل سختی‌ها و محرومیت‌ها، بریدن از لذت‌ها و وابستگی‌های دنیایی و کسب ثواب اخروی و معنوی را به مخاطب می‌آموزند.

در این رمان، شخصیت‌های مثبت و مقدس مانند امدادگر، خانواده شهدا، رزمنده و جانباز، با وجود از خودگذشتگی و فداکاری در دوران دفاع مقدس از طبقه مستضعف هستند و قناعت و

ساده‌زیستی را که از نتایج آن آرامش، سکون روحی و آسودگی است، به مخاطبین می‌آموزند. قهرمان رمان با بسنده‌بودن به حقوق اندک و بهجت‌خانم بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی در آسایشگاه به جانبازان خدمت می‌کنند.

نه‌صفیه، هر چند مادر شهید است و بایستی از زندگی مرفهی برخوردار باشد اما ساده و در یک خانه اجاره‌ای زندگی می‌کند که پول پیش آن را دامادش پرداخت کرده و در روز خواستگاری از حوریه بدون تشریفات و با بقچه‌ای در دست هدایای ناچیزی برای عروسی می‌برد.

نمونه: «پیرزنی که حسابی چشم‌هایش کم‌سوست و درست حوریه را نمی‌بیند، بقچه به دست می‌آید توی حیاط. پیرزن فوراً بقچه را بازمی‌کند و پارچه‌ای گل‌دار را با یک پلاستیک نقل می‌گذارد کنار سینی» (بصیری، ۱۳۹۶ الف: ۱۲۶).

دفاع از میهن

نگاه ارزشی و تقدّسی انقلاب اسلامی به میهن‌دوستی و شوق دفاع از وطن، سرمایه اجتماعی این رخداد را که مشارکت گسترده و داوطلبانه زنان، مردان جوان و نوجوان در مبارزه با تجاوز بیگانه و حضور آنان در جبهه، پشت جبهه، اعزام فرزندان خود به جبهه و دیگر اجتماعات است، فراهم می‌کند. قرآن کریم در آیه «فَمَنْ اِغْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَاِغْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اِغْتَدَىٰ» (بقره، ۱۹۴)، دفاع و مقابله به مثل را حق هر مسلمانی می‌داند. برخی صاحب‌نظران جوان‌بودن را از مؤلفه‌های ادبیات پایداری برمی‌شمارند. «ادبیات پایداری بازتاب سلحشوری، پایداری و تحرک دلاورانه جوانان معاصر ایرانی است» (رستگارفسائی، ۱۳۷۲: ۳۹۰).

شخصیت‌های داستانی، شوق به دفاع از میهن، لزوم مشارکت، حضور فعال و همه‌جانبه را در عرصه پایداری و تحولات اجتماعی به ویژه در جوانان و زنان ترویج می‌کنند. پیروزی انقلاب اسلامی، نگرش به جایگاه زن، میزان حضور، تأثیر شخصیت و نقش او در اجتماع را تغییر داد. نویسنده این رمان دیدگاهی اسلامی-انقلابی به حضور پررنگ زنان مسئولیت‌پذیری دارد که با حفظ ارزش‌های اسلامی وارد اجتماع شده‌اند و پاسداشت آرمان‌ها و دستاوردهای انقلاب و دفاع مقدس را وظیفه خود می‌دانند و چهره قهرمان نوعی رمان را با مسئولیت امدادگر در جبهه و خدمت او و دیگر شخصیت‌ها مانند مادر مراد را در آسایشگاه جانبازان ترسیم می‌کند و با وجود سختی‌ها، مخالفت و کارشکنی دیگر شخصیت‌ها با عقیده‌ای استوار دائم در حال تلاش و

تکاپو برای رسیدن به هدف است و نمادی از زنان فعال، فداکار و دل‌سوزی است که نمای اجتماعی-روانی آنان حضور در عرصه پایداری جمعی و اجتماع ایرانی-اسلامی را ترویج و تبلیغ می‌کنند.

وحدت و همبستگی

وحدت و همبستگی که از آن به اخوت و همدلی نام می‌برند، از فضائل دینی، دستاوردهای انقلاب اسلامی و رهبری امام راحل است و بنیانی قرآنی دارد که مصداقی از آن در آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، ۱۰۳) است.

بصیری، مفهوم وحدت آحاد مردم، را در واژه‌های بسیج، پایگاه مردمی، داوطلب و امدادگر ترویج می‌کند و این اندیشه را می‌آموزد که حضور عموم مردم جهادگر برابر با نفی تفرقه، دعوت به همبستگی، اتحاد اسلامی و میهن‌دوستی است. حضور و مشارکت داوطلبانه شخصیت‌هایی از لایه‌های مختلف جامعه منعکس‌کننده پایداری و مقاومت جمعی است که باعث اولویت‌دادن به حضور و مشارکت داوطلبانه مردان و زنان از قشرها و سنین مختلف با تجربه‌ها و تخصص‌های متفاوت در جبهه‌ها برای ایستادگی در برابر دشمن متجاوز است و نشان از تربیت مشارکت‌جویانه فرزندان، تشویق و تحریض خانواده‌ها در اعزام آنان به جبهه، پیوند مردم با امام‌خمینی^(ره) و الهام‌گیری از حضور پیروزمندانه مردم در انقلاب دارد و در تصویری از جامعه انقلابی به ما می‌آموزد که مردم آن در هر جایگاهی که قرار دارند، در دفاع از کشور مشارکت می‌کنند نمونه: در دخیل عشق، حوریه امدادگر، سیدرضا دانشجو، سیدرسول دانش‌آموز، عموعمران برقکار و نصرت مقنی یا چاه‌کن است.

صبر

صبر و بردباری از فضائل اخلاقی، تربیتی و عبادی دین اسلام است. بسامد واژه صبر در قرآن کریم (۱۰۳ مرتبه) است، از جمله در آیه «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۱۵۶)، که خداوند، انسان‌ها را به صبر در هنگام مصیبت فرامی‌خواند. نویسنده، با خلق شخصیت‌های واقع‌گونه داستانی خانواده شهدا، رزمندگان، جانبازان، بهیاران و امدادگران به‌عنوان اسوه‌های والا و ارزشمند صبوری برای ترویج و دعوت به صبر بهره‌می‌برد و با خلق صحنه‌هایی آنان را الگوهایی از اشخاص صبور و شکیبا در اعزام فرزندان خود به جبهه و شهادت آنان، صبر و طاقت رزمندگان در لحظه مجروحیت و شهادت، درد و جراحت جسمانی جانبازان، صبر بر

مصیبت و تنگی معیشت ترسیم می‌کند که بیانگر صفات اخلاقی-اجتماعی و بلندهمتی آنان است.

قهرمان داستان، بعد از حضور در جبهه و خدمت در آسایشگاه جانبازان، همانند مادری صبور و فداکار مسئولیت مراقبت از سیدرسول و فرزندانش را بر عهده می‌گیرد و به این سبب از شغل خود اخراج می‌شود و ناهنجاری‌های رفتاری سیدرسول جانباز عصبی را با شکیبایی تحمل می‌کند.

نمونه: «چشمش به جای خالی پایش که می‌افتد، نفس عمیقی می‌کشد و می‌گوید: «اون روز خیز رفتم تو یه چاله. ترکش و گلوله می‌خورد تو باتلاق؛ و همین طور لجن، خون، پوست و گوشت رفقام رو پرت می‌کرد رو سر و روم» (بصیری، ۱۳۹۶ الف: ۵۶).

نتیجه‌گیری

در تحلیل آموزه‌های دینی در رمان دخیل عشق این نتایج به دست آمد: بازتاب رویکرد تعلیمی به اصول اعتقادی، احکام و اخلاقیات دین اسلام در رمان دینی-اجتماعی دخیل عشق، منبعث از انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و شکل‌گیری جریان ادبیات دینی مقارن این دو رخداد است. بصیری، دین را به مثابه روش و ابزاری تربیتی به کار می‌گیرد و با خلق صحنه‌ها و موقعیت‌های دینی؛ باورهای اعتقادی، احکام دینی، فداکاری و وظیفه دینی-ملی دفاع از میهن را ترویج و تبلیغ می‌کند و با پیوندی بینامتنی و زبانی هنری به مسائل اجتماعی دفاع مقدس در ارتباط با خانواده رزمندگان، جانبازان و شهدا می‌پردازد و تقدیس، تکریم و ستایش آنان را ترویج می‌کند.

بصیری، با شخصیت‌پردازی، نگرش‌های متفاوت به مسائل دینی-اجتماعی و دفاع مقدس را از زبان شخصیت‌هایی واقع‌گونه بیان می‌کند. در نمای اجتماعی، مسئله فاصله طبقاتی، فقیر و غنی از دغدغه‌های اصلی شخصیت‌های این رمان است و شخصیت‌ها تقابل گروه‌هایی از افراد مرفه و برخوردار را که مرتبط با جباران و شخصیت‌های فداکار و محروم که شخصیت‌های مثبت و مقدس داستان و مرتبط با مقدسان دینی هستند، به تصویر می‌کشاند که بینش سیاسی نویسنده در مبارزه با مستکبران را منعکس می‌کند و با نگاهی نمادین نقش و مشارکت‌های اجتماعی تأثیرگذار زنان صبور و جهادگر را در کنار وظایفی مانند همسر و مادر بودن به تصویر

می‌کشد و با توجه به رشد جمعیتی جامعه، با رویکردی دینی به مسئله ازدواج رزمندگان می‌پردازد.

منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم.

- نهج البلاغه. (۱۳۸۶). ترجمه محمد دشتی، جلد ۱، تهران: اعجاز.
- اخوت، احمد. (۱۳۹۲). دستور زبان داستان، اصفهان: فردا.
- انوری، حسن. (۱۳۸۸). فرهنگ فشرده سخن، جلد ۱، تهران: سخن.
- براهنی، رضا. (۱۳۶۸). قصه نویسی، تهران: البرز.
- بصیری، مریم. (۱۳۹۶ الف). دخیل عشق، قم: جمکران.
- بصیری، مریم. (۱۳۹۶ ب). فرایند شکل‌گیری داستان در ادبیات داستانی و دراماتیک، تهران: امیر کبیر.
- جعفری، محمد تقی. (۱۳۷۸). فلسفه دین، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حنیف، محمد. (۱۳۹۶). نوشتن در سایه جنگ، تهران: شهرستان ادب.
- رستگار فسائی، منصور. (۱۳۷۲). انواع شعر فارسی، شیراز: نوید.
- شاله، فلیسین. (۱۳۵۵). تاریخ مختصر ادیان بزرگ، ترجمه منوچهر خدایار محبی، تهران: طهوری.
- صفی‌پور، عبدالرحمن بن عبدالکریم. (۱۳۷۷ ه.ق). منتهی‌الارب فی اللغة العرب، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
- عنایت، حمید. (۱۳۷۲). اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: خوارزمی.
- فیض، علیرضا. (۱۳۷۸). مبادی فقه و اصول، تهران: دانشگاه تهران.
- قدردان قراملکی، محمد حسن. (۱۳۸۳). کلام فلسفی، قم: وثوق.
- کافی، غلامرضا. (۱۳۸۹). شناخت ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

مکی، محمد. (۱۳۹۰). *تحریرالروضه فی شرح‌اللمه*، ترجمه سیدمحمدصدری، تهران: اندیشه‌های حقوقی.

میرصادقی، جمال. (۱۳۶۷). *عناصر داستان*، تهران: سخن.

میرصادقی، جمال. (۱۳۹۰). *راهنمای رمان‌نویسی*، تهران: سخن.

مقالات

فیضی نیکچه، شهرزاد، و بشیری، محمود. (۱۳۹۳). تحلیل جایگاه شخصیت زنان در ادبیات پایداری با تکیه بر رمان «دخیل عشق». *مطالعات نقد ادبی*، ۹(۳۶)، ۳۳-۶۶.

مستور، مصطفی. (۱۳۸۴). موقعیت دینی و گونه‌داستان نویسی. *ویژانه روزنامه شرق*، ۱۶ بهمن.

سلیمانی دلارستانی، محمدرضا، و ماهیار، عباس. (۱۳۹۶). تحلیل مرگ و معاد در اسکندرنامه نظامی. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۹(۳۲)، ۹۵-۱۳۳.

References

Books

- The Holy Quran*. [In Persian]
Nahj al-Balaghah (2007) Trans. Mohammad Dashti. Miracle. [In Persian]
Anvari, H. (2009). *Intensive Culture of Speech*, Volume 1. Speech. [In Persian]
Barahani, R. (1989A). *Story writing*, Tehran: Alborz. [In Persian]
Basiri, M. (2017A). *Involved in Love*. Jamkaran. [In Persian]
Basiri, M. (2017B). *The process of story formation in fiction and dramatic literature*. Amir Kabir. [In Persian]
Enayat, H. (1993). *Political Thought in Contemporary Islam*, Trans. Baha'u'llah Khorramshahi, Kharazmi. [In Persian]
Feyz, A. R. (1999). *Principles of Jurisprudence and Principles*. University of Tehran. [In Persian]
Hanif, M. (2017). *Writing in the Shadow of War*. Shahrestan Adab. [In Persian]
Jafari, M. T. (1999). *Philosophy of Religion*. Research Institute of Islamic Culture and Thought. [In Persian]
Kafi, Gh. R. (2010). *Understanding the Literature of the Islamic Revolution*. Foundation for the Preservation of Relics and the Publication of the Values of the Sacred Defense. [In Persian]
Maki, M. (2011). *Tahrir al-Rawdha fi Sharh al-Lameh*, Trans. Seyyed Mohammad Sadri. Legal Thoughts. [In Persian]
Mir Sadeghi, J. (1988). *Elements of the Story*. Sokhan. [In Persian]
Mir Sadeghi, J. (2011). *Novel Writing Guide*, Volume One. Sokhan. [In Persian]
Okhovvat, A. (2013). *Grammar of the story*. Tomorrow. [In Persian]
Qardran Qaramaleki, M. H. (2004). *Philosophical Theology*. Vosough. [In Persian]
Rastegar Fasaie, M. (1993). *Types of Persian poetry*. Navid. [In Persian]

Safiapour, A. A.(1998). *Ultimate Al Arb in the Arabic language*, Abd al-Rahman ibn Abd al-Karim. [In Persian]

Shala, F. (1976). *A Brief History of the Great Religions*, Trans. Manouchehr Khodayar Mohebbi, Tehran: Tahoori. [In Persian]

Articles

Feizi Nikjeh, S., & Bashiri, M. (2014). Analysis of the position of women in the literature of sustainability based on the novel involved in love, *Literary Criticism Studies*, 9(36), 33-66. [In Persian]

Mastour, M. (2005). Religious situation and genre of storytelling, *special issue of Shargh newspaper*, 16 Bahman. [In Persian]

Soleimani Delarestaghi, M. R., & Mahyar, A. (2017). Analysis of Death and the Resurrection in Nezami's Eskandarnameh. *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkoda)*, 9(32), 95-133. [In Persian]

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 16, Number 59, Spring 2024, pp. 214-241

Date of receipt: 6/3/2021, Date of acceptance: 17/11/2021

(Research Article)

DOI:

Religious Teachings in the Novel *Dakhile Eshq (Involving Love)*

Ahmad Heydari Gojani¹, Dr. Mohsen Zulfqari², Dr. Hassan Heydari³, Dr. Hojatullah Omid Ali⁴

Abstract

The event of the Islamic Revolution brought about changes in the cultural and political atmosphere of Iran and brought with it achievements. In this way, a religious current emerged in fiction. The analysis of fictional elements in the literature of the revolution reflects the purpose and causes of this phenomenon. The aim of this study is to continue the scope of research in revolutionary literature in order to investigate how Maryam Basiri approaches the theme and characters of the novel involved in the love of religious teachings. The research method is analytical-descriptive, the method of data collection is library. The basis of the analysis is the range of words, specific and frequent concepts related to religious teachings. Basiri, by designing and creating a religious situation, continues the flow of religious literature after the Islamic Revolution and seeks to strengthen theology, expand and generalize the foundations of belief, and through characters and themes, a teaching-promotional approach to the principles and foundations of Islam and induction. It has a religious feeling to the audience and benefits from the doctrinal concepts, rules and ethics of Islam. The issue of Imamate is most evident in this approach. Basiri, from the language of typical characters, has a value-oriented view of religious concepts and takes the educational propositions of religion to the basis of the novel and facilitates access to religious teachings by studying the work of fiction for the audience.

Key words: Doctrine, Religion, Maryam Basiri, Character, *Involving Love*.

¹ . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Arak University, Arak, Iran. Ahmad_heidari53@yahoo.com

² . Professor of the Department of Persian Language and Literature, Arak University, Arak, Iran. (Corresponding author) M-zolfaghary@araku.ac.ir

³ . Professor of the Department of Persian Language and Literature, Arak University, Arak, Iran. h-haidary@araku.ac.ir

⁴ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Arak University, Arak, Iran. omidsu@gmail.com

